



## Representation of Political Structure in Transformations of Mourning Rituals During the Safavid Era

Marziye Borzoueian\*

Mohammadreza Khaki\*\*

### Abstract

The Safavid Era is one of the most important historical eras in Iran. During this era, rituals with Shiite content are particularly valued by the rulers due to Shia enforcement as the official religious branch in Iran. Mourning tradition and *dasteh-gardani* (arrangement of group mourning rituals) for the martyrdom of Imam Hussein (peace be upon him) held in Muharram were among these rituals which were specifically developed during the Safavid Dynasty. Certain transformations and features emerge in mourning rituals during this era, which seem to be inspired by the political structure of the Safavid Era. The present study is carried out to answer how the components of the political structure during the Safavid Era are reflected in mourning rituals. The research methodology is historical and the result is indicative of the fact that group mourning rituals of Muharram served as a suitable medium for strengthening the foundations of Safavid government, taking into account the profound ideological and national beliefs and devotion of Shias expressed to their third Imam.

**Keywords:** Safavid Era, mourning rituals in Iran, *dasteh-gardani* (arrangement of mourning groups), structuralist sociology

\* Ph.D. in Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author), marziyeborzoueyan@yahoo.com

\*\* Associate Professor in Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, rezaki2002@yahoo.com

### How to cite article:

Borzoueian, M., & Khaki, M. (2022). Representation of Political Structure in Transformations of Mourning Rituals During the Safavid Era. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 1(1), 21- 49. DOI: [10.22077/JCRL.2022.4679.1010](https://doi.org/10.22077/JCRL.2022.4679.1010)



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



## بازنمایی ساختار سیاسی در تحولات آیین‌های سوگواری دوره صفویه

مرضیه برزوئیان\*

محمد رضا خاکی\*\*

### چکیده

در دوره صفویه به‌ویژه با توجه به رسمیت یافتن مذهب شیعه، آیین‌هایی با محتوای شیعی در کانون توجه حاکمیت قرار گرفت. یکی از این آیین‌ها، آیین‌های سوگواری و دسته‌گردانی برای شهادت امام حسین (ع) است که در ماه محرم برگزار می‌شد و در دوره صفویه گسترده‌تری و توسعه خاصی یافت. در این دوره برخی تحولات و ویژگی‌ها در آیین‌های سوگواری ظاهر شد که به نظر می‌رسد ملهم از ساختار سیاسی دوره صفوی است. این پژوهش در پاسخ به این پرسش شکل می‌گیرد که مؤلفه‌های ساختار سیاسی عصر صفویه چگونه در آیین‌های سوگواری صفوی بازنمایی می‌شوند؟ روش این تحقیق تاریخی است و نتیجه به‌دست‌آمده مبین این امر است که آیین‌های دسته‌گردانی محرم با توجه به ریشه‌های عمیق اعتقادی و ملی و ارادتی که شیعیان در این آیین‌ها به امام سوم خود ابراز می‌داشتند، دستاویز مناسبی برای بهره‌برداری حکومت صفوی در تقویت بنیادهای حاکمیت بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** دوره صفویه، آیین‌های سوگواری در ایران، دسته‌گردانی، جامعه‌شناسی ساختارگرا.

\* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) marziyeborzoeyan@yahoo.com

\*\* دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران rezaki2002@yahoo.com

## ۱. مقدمه

دوره صفویه یکی از نقاط عطف تاریخ ایران است. شکل‌گیری اولین حکومت یکپارچه مرکزی پس از اسلام، رسمیت مذهب شیعه، ثبات نسبی سیاسی و توسعه اقتصادی از ویژگی‌هایی است که دوران حکومت صفویه را از دیگر دوره‌ها متمایز می‌سازد. در این دوره، ایدئولوژی حاکم و ضرورت یکپارچه‌سازی مذهبی ملت و صف‌آرایی در برابر دشمنان خارجی سنی مذهب، سبب شد که آیین‌های شیعی از جمله نقالی و روضه‌خوانی و پرده‌خوانی به‌صورت سازمان‌یافته، مورد توجه حکومت صفوی قرار گیرند. آیین دسته‌گردانی سوگواری محرم نیز بخشی از این آیین‌ها بود که قدمت بسیار و نفوذ فرهنگی عمیقی در جامعه ایرانی داشت. این آیین‌ها در دوره صفویه به‌طور چشمگیری گسترش یافتند. برخی عناصر و ویژگی‌های آیین‌های سوگواری ادوار پیش به‌عنوان هسته اولیه آیین‌ها محفوظ ماند و تقویت شد و برخی عناصر بی‌سابقه، تحت تأثیر استراتژی حکومت صفوی در آیین‌های سوگواری ایران ظهور کرد که بعضاً با فلسفه و ماهیت سوگواری در اسلام و مذهب شیعه نیز مناسبتی نداشت. بر این اساس، به نظر می‌رسد منشأ برخی از ویژگی‌ها و تحولات آیین‌های سوگواری در عصر صفوی را باید در شرایط و ساختار سیاسی حاکم جستجو کرد.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

آیین‌های سوگواری دوره صفوی به‌دلیل گستردگی و تأثیر تاریخی قابل توجه، مورد بررسی بسیاری قرار گرفته است؛ به‌ویژه در تحقیقات تاریخ و تکوین تعزیه، تاریخ صفویه، نقطه عطف تثبیت و نوآوری آیین‌های شیعی با محوریت عزاداری‌های محرم است. از جمله پژوهش‌هایی که آیین‌های سوگواری صفویه را به‌صورت مستقل از تاریخ تعزیه، بررسی کرده و رابطه مستقیم‌تری با پژوهش حاضر دارد، مقاله «عزاداری محرم در عهد صفوی؛ یک بررسی آسیب‌شناختی» نوشته محمدعلی پرغو و صدیقه غلامزاده است که به آسیب‌های فرهنگی ناشی از گسترش تبلیغاتی آیین‌های سوگواری صفوی و موهومات و خرافه‌های نوظهور، نگاهی انتقادی دارد «عدم تبیین فلسفه، اهداف و ارزش‌های قیام عاشورا و آداب فرهنگ عزاداری در طول تاریخ و به‌ویژه در دوره صفویه، زمینه تحریف محتوایی این قیام مقدس و فرهنگ سوگواری را فراهم می‌کرد» (پرغو و غلامزاده، ۱۳۹۴: ۴۳).

مقاله «پیامدهای برگزاری آیین‌های مذهبی شیعه در دوره صفویه» نوشته حسن زندیه، علی‌اکبر جعفری و سید مرتضی حسینی، پیامدهای این آیین‌ها را در دو حوزه فرهنگ و سیاست، ردیابی می‌کند و تأثیرات سیاسی آن را از جنبه یکپارچگی سیاسی، پیامد مثبت این آیین‌ها و ایجاد نفاق و گسست اجتماعی شیعه و سنی را پیامد منفی فرهنگی آن‌ها قلمداد می‌کند.

همچنین مقاله «تفسیر و تحلیل آیین عزاداری عاشورا در فرایند تمدنی دولت شیعی صفویه»

نوشته زهرا سادات کشاورز و محمدعلی چلونگر نقش تمدن‌زایی آیین‌های سوگواری دوره صفویه را بررسی و چنین نتیجه‌گیری کرده است: «حکومت صفویه با بهره‌مندی از عناصری چون رسمی کردن مذهب تشیع، استقلال و آزادی سیاسی حکومت، نفوذ اجتماعی روحانیان، علما و گسترش آیین و شعایر شیعی و رسوخ آیین‌های عزاداری عاشورا در تمدن‌سازی، ثبات‌بخشی، ایجاد انسجام و یکپارچگی در ایران آن زمان استفاده کرد» (کشاورز و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۰).

در مقایسه با سوابق تحقیق و مطالعات مشابه و پرشماری که پیش‌ازین در این‌باره انجام شده، وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر در رویکرد جزئی‌نگری است که در واسازی آیین‌های سوگواری صفویه اتخاذ شده است. در رویکردهای پژوهشی پیشین، عمدتاً گفتمان‌های سیاسی کلان دولت صفوی از جمله پیوند زدن هویت ملی با تشیع و یکپارچگی ایدئولوژیک در مقابل دولت عثمانی، بیشترین موارد تأکید محققان بوده است. حال آنکه در تحقیق پیش‌رو ریخت‌شناسی آیین‌ها و تفکیک سازه‌های بصری و اجرایی آیین، سبب پررنگ شدن جزئیات و ریز نکاتی در حوزه روابط اجتماعی، شهری و ایدئولوژیک - به‌عنوان زیرمجموعه‌های ساختار صفوی - شده که کمتر پژوهشی به بازشناسی آن‌ها پرداخته است.

## ۲. حکومت صفوی و آیین‌های سوگواری

شاه اسماعیل در سال ۹۰۵ هجری به یاری قبایل صحرانشین ترک ایران و آسیای میانه، دولت صفویه را بنیان نهاد. سابقه این خاندان در دین و تصوف و مقام معنوی که شاه اسماعیل نزد مریدان و هوادارانش یافته بود، بنا شدن حکومتی با محوریت ایدئولوژی را بدیهی می‌نمایاند؛ بنابراین یکپارچگی مذهب دولت و ملت پراکنده‌ای که اکثراً سنی مذهب بودند، اولین اولویت سیاسی داخلی شاه اسماعیل قرار گرفت. در این راستا شاه اسماعیل، استراتژی دوگانه‌ای پیش گرفت که هم از دستاوردهای فرهنگی تشیع بهره می‌برد و هم قهرآمیز بود. به دلیل گسترش رفت‌وآمدهای تجاری و سیاسی و سیاحتی با غرب، از دوره حاکمیت شاه‌عباس، شواهد و مستندات قابل توجهی از برگزاری مراسم سوگواری در ایران به‌ویژه در اصفهان و اردبیل وجود دارد و منابع قابل استناد درباره چندوچون برگزاری این آیین‌ها در عصر صفوی، شرح مشاهدات همین سفرها است. ویژگی‌ها و تحولات آیین‌های سوگواری صفوی و بازنمایی ساختار سیاسی حاکم در آیین‌های سوگواری را در خلال برخی از این گزارش‌ها جستجو خواهیم کرد.

### ۲-۱. آیین‌های سوگواری در دوره شاه‌عباس

از مهم‌ترین سفرنامه‌هایی که در دوره شاه‌عباس ثبت و ضبط شدند، سفرنامه‌های «آنتونیو دو گوا»، «دون گارسیداس سیلوا فیگوئرا» و «پیترو دلاواله» بودند. دوگوا می‌نویسد: طی ده روز محرم، دسته‌های مردم در حالی که فریاد می‌زنند «شاه حسین وای حسین»

در کوی و برزن گردش می‌کنند و سوگ سرود می‌خوانند. بعضی از این دسته‌ها مسلح هستند و بعضی دیگر نه. بسیاری از این مردم چماق‌های پنج یا شش زراعی در دست دارند و دائماً دو دسته شده بر یکدیگر می‌تازند. چنان نبرد شدیدی می‌کنند که معمولاً چندین نفر کشته می‌شوند (بکتاش، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

دلاواله نیز اشاره می‌کند:

در طول ایام محرم از هر کجا دسته‌هایی برای مراسم سوگواری به راه می‌افتند. دورتادور را عده‌ای چوبدار گرفته‌اند که هر آن آماده هستند با دسته‌های دیگر نه فقط به خاطر تقدم و تأخر بلکه به قصد مبارزه‌جویی وارد جنگ و نزاع شوند تا به نحوی در عزای حسین شرکت کرده باشند؛ زیرا معتقدند اگر کسی در این روز ضمن دعوایی کشته شود یکسر به بهشت خواهد رفت. این روز در میدان و محل‌های اصلی تقاطع تعداد زیادی از سواران وزیر و دیگر بزرگان آماده‌اند که نگذارند دسته‌ها درگیر شوند و آن‌ها را از یکدیگر دور نگه می‌دارند. مع الوصف روزی که خود من سوار بر اسب ناظر بودم دیدم این اقدامات سودمند نشد و جلو قصر شاهی عده‌ای با یکدیگر به نزاع برخاستند و به همین قیاس در خیابان‌های دیگر نیز زدوخوردهایی در گرفت که در نتیجه جماعتی با سر و دست شکسته به خانه‌های خود رفتند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۲۵).

دلاواله در شرح مفصل خود از مراسم عزاداری در اصفهان می‌نویسد:

در شهر دو دسته عزاداری راه می‌افتد. هر دسته از مردم، یک قسمت عمده شهر را تشکیل می‌دهند. بسیاری از بزرگان کشور نیز جزو این دو دسته هستند. حتی خود شاه هم اگر در شهر باشد، وارد یکی از این دسته‌جات می‌شود. در پیشاپیش هر دسته عده‌ای دهنه تعدادی اسب مزین به تزئینات و ساز و برگ‌های گرانها را می‌گیرند و می‌آورند. بر روی اسبها تعدادی سلاح‌های جنگی همچون تیر و کمان و شمشیر و سپر قرار دارد و روی قریوس زین هم عمامه‌ای قرار می‌دهند که معرف مجموعه سلاح‌ها و عمامه امام علی (ع) است. به دنبال آن‌ها علم‌ها و زوبین‌ها و نیزه‌هایی مزین به نوارهای رنگی حمل می‌کنند که حاملین به‌زحمت آن‌ها را در دست نگه می‌دارند و بلندی نیزه‌ها به قدری است که سنگینی نوک آن‌ها بدنه نیزه را خم می‌کند. این‌ها هم نشانگر سلاح‌های حضرت علی است و با این کار می‌خواهند نشان دهند که او قامت بلندی داشته است. سپس تابوتی دیده می‌شود که جنبه تشریفاتی دارد و حتی گاه چندین تابوت می‌آورند که همگی نمادی از تابوت علی (ع) هستند. عده زیادی از نوحه‌خوان‌ها به همراه نوای طبل و سنج و نی تابوت‌ها را همراهی می‌کنند و بی‌وقفه خود را حرکت می‌دهند، جست می‌زنند و با تمام قدرت فریاد می‌کشند. افراد متشخص سوار بر اسبان و جمعیت انبوهی پیاده به دنبال آن‌ها می‌آیند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۸۵).

## ۲-۲. آیین‌های سوگواری در دوره شاه عباس دوم

از منابع مهم مربوط به سوگواری‌های دوره شاه عباس دوم، باید به سفرنامه تاورنیه و شرح مشاهدات او از مراسم سوگواری ماه محرم اشاره کرد:

هر دسته یک عماری داشت که به وسیله هشت تا ده نفر حمل می‌شد. روی عماری، تابوتی به بلندی چهارپا و طول پنج پا بود. چوب عماری با شاخ و برگ طلایی و نقره‌ای نقاشی شده بود و تابوت را با پارچه‌ای زربفت پوشانده بودند. به محض اینکه دسته‌ای پیش می‌رفت، سه اسب یدک با زین و برگ زیبا جلو می‌آمدند و در پهلوئی زین، کمان و تیر و سپر و خنجر بسته بودند. وقتی حدود صد قدم در میدان پیش آمدند، شاه را دیدند. آنان که سه اسب را آورده بودند، اسب‌ها را به چهارنعل واداشتند و همه دسته که دنبال آن‌ها بودند، رقص کنان، درحالی‌که تابوت را به بالا می‌انداختند، به دویدن پرداختند. گروهی که عربان بودند، دو قلوه‌سنگ در دست داشتند که به هم می‌زدند و چون نامیدان فریاد می‌زدند: حسین، حسین، حسین، حسین؛ تا آنجا که کف از دهانشان خارج می‌شد. پس از آنکه چهار بار میدان را دور زدند، دسته‌های دیگر هرکدام در ردیف خود پیشاپیش آن‌ها نیز با سه اسب یدک آمدند... وقتی دسته‌ها رد می‌شدند، آن‌ها را به گوشه‌ای می‌بردند تا میدان برای دسته بعد باز شود. باز دو دسته دیگر را پیش می‌رانند، هرکدام با یک عماری که در جلوی دسته می‌رفت. بر روی عماری تابوتی کوچک به چشم می‌خورد و در تابوت دو پسر بچه، خود را به مردن زده بودند. همه کسانی که این دو کودک را همراهی می‌کردند، می‌گریستند و ناله و ندبه می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۸۹-۹۱).

شاردن نیز در همین زمان، نکات جالب توجهی را از عزاداری‌های محرم ثبت و ضبط کرده است:

در جلوی هر دسته بیست علم، بیرق، هلالی، پنجه‌های فلزی مزین به نقوش رمزی کنده‌کاری‌شده از محمد (ص) و علی (ع) سوار بر دسته‌های نیزه‌ای مانند، حرکت می‌کردند. این وسایل برای مسلمانان نمادهای مقدسی بود از غزوات صدر اسلام علم‌ها هنگامی که به همراه دسته‌ها بیرون آورده می‌شوند از پارچه‌های سبز کم‌رنگ پوشیده گشته‌اند. پس از این‌ها، چند اسب تربیت‌شده زیبا مجهز به جوشن و سلاح‌های بسیار گران‌قیمت حرکت می‌کنند که انواع سلاح‌های سرد و گرم نیز از زین جوشن آن‌ها آویزانند. این سلاح‌ها که از فولاد ساخته شده‌اند، به همراه دیگر اسباب و لوازم، طلاکاری شده و با سنگ‌های قیمتی زینت یافته‌اند. سپس افرادی حرکت می‌کنند که سرتاپیشان خون‌آلود است و چنین می‌نمایند که به ضرب تیر و نیزه‌های بسیار مجروح گشته‌اند. بعد از آن‌ها ارابه‌ها و اسباب و لوازمی که گویی برای تشییع جنازه مهیا شده‌اند، می‌آیند. کجاوه‌ها پشت سر آن‌ها صف کشیده‌اند. این کجاوه‌ها با چادرهای سبز کم‌رنگ پوشیده گشته‌اند و با تکه پارچه‌های زربفت که هزاران زیور

طلا به ذوق و سلیقه کسانی که آن‌ها را تدارک می‌دیدند از آن‌ها آویزان است، زینت یافته‌اند. سپس تابوت‌ها حمل می‌شوند. ... آن‌ها که این اقلام را حمل می‌کنند (آن هم با نوعی حرکات و ادا و اطوار) راحت و آسان از میان دسته‌ها و جمعی که دورشان را گرفته‌اند، تند حرکت می‌کنند. در پی آن‌ها تخت بزرگی که نمایشگر تابوت حسین (ع) است و هشت مرد آن را به دوش می‌کشند، از راه می‌رسد. بعضی از این تابوت‌ها شبیه تخت‌های روان سرپوشیده مزین و مجللی هستند که روی دوتا از آن‌ها دو بچه به نشانه امام حسن و امام حسین نشسته‌اند (شاردن نیز دو طفلان مسلم را با امام حسن و امام حسین اشتباه گرفته است). بقیه نمایشگر جعبه اسلحه هستند که داخل و خارج آن از انواع سلاح‌ها نظیر تیر و کمان، شمشیر و سپر و خنجر پوشیده است و در آن کودکی سراپا مسلح مهبلی نبرد نشسته است... در میان دیگر چیزها، عکس‌هایی از مقابر متبرکه به چشم می‌خورد و مردی را نیز می‌بینیم که ملبس به جامه خونین غرق در تیر و سر و صورتش آغشته است به رگه‌های خون که تداعی‌گر امام و شهیدان کربلاست... پشت سر آن‌ها انبوهی به‌طور نامنظم یا دسته‌هایی راه می‌پیمایند که شمارشان به دوست یا سیصد می‌رسد و فریاد یا حسینشان بلند است. اینان نیز همواره مسلح هستند؛ اما اکثرشان سلاحشان تنها چماق‌های کلفت است و به‌جای آهسته راه رفتن، می‌دوند. هرازگاه نیز برای انجام تشریفات و پیدا کردن فرصت چسبیدن به ارابه‌ها می‌ایستند... به جهت آنکه پیوسته با تمام توان نام امامان را فریاد می‌زنند، اغلب گیج می‌شوند و کنترلشان را از دست می‌دهند (شاردن، به نقل از آژند، ۱۳۸۸: ۵۶).

### ۲-۳. آیین‌های سوگواری در دوره شاه سلطان حسین

سفرنامه‌ای - احتمالاً مربوط به دو سیاح هلندی، سالامون و وان گوگ - از دوره شاه سلطان حسین، اشاراتی به مراسم عزاداری بر ارابه‌های متحرک دارد که ظاهراً با صحنه‌آرایی و تمهیدات نمایشی ویژه‌ای انجام می‌گرفته است:

زندگی او (امام حسین) اعمال و جنگ‌ها و شهادتش روی ارابه‌هایی که به شکل صحنه تئاتر تزئین یافته، قسمت به قسمت به نمایش درمی‌آید... از جمله روی ارابه‌ای، شهادت او نشان داده می‌شود و در قسمت فوقانی ارابه پوششی وجود دارد که روی آن شن ریخته‌اند و به‌مثابه میدان جنگ در یک دشت بی‌آب و علف است. در زیر این پوشش مردانی پنهان شده‌اند و سر و دست و بازوان خود را که نمایشگر سرهای بریده و خونین و دست‌های شکسته است، از سوراخ‌های پوشش بیرون کرده‌اند (آژند، ۱۳۸۸: ۵۸).

علاوه بر این، نوشته دیگری از کورنی‌یل لایرون به‌عنوان آخرین گزارش از این دست بر جا مانده است:

لایرون از شمار فراوان عزادارانی سخن می‌گوید که از راه تقلید و بازی بدون کلام، صحنه‌های حزن‌انگیز متنوعی از مصیبت امام حسین و اهل بیت او در مدت محاصره و جنگ کربلا و نیز صحنه‌های به اسیری رفتن زنان و کودکان، پس از شهادت امام را

نمایش می‌دادند. این صحنه‌ها که بر سکوه‌های سیار و ساکن بازی می‌شدند بسیار سازمان یافته بودند و با توالی تقویمی نمایش داده می‌شدند. از تشریح و توصیف لابرون معلوم می‌شود که شرکت‌کنندگان در فراهم آوردن البسه مناسب نهایت سعی خود را به کار می‌بستند، ضمن آنکه بعضی از آن‌ها نیز برای نشان دادن جای ضربات و جراحات وارده، پیکرهای خود را رنگ سرخ و سیاه می‌زدند (چلکووسکی، ۱۳۸۴: ۳۳۸).

### ۳. تحولات و ویژگی‌های آیین‌های سوگواری دوره صفوی

سابقه آیین‌های سوگواری اسلامی در ایران، به دوره حاکمیت آل‌بویه باز می‌گردد و در دوره‌های بعد نیز تداوم می‌یابد. برخی عناصر و ویژگی‌های آیین‌های سوگواری، بنا به طبیعت آیینی این مراسم، زمان را تاب آورده و به‌عنوان هسته اولیه اعمال آیینی در قرن‌های بعد تکرار می‌شوند؛ عناصری همچون دسته‌گردانی، حمل تابوت و عماری و سلاح، نوحه‌خوانی و سینه‌زنی، از جمله این موارد هستند؛ اما در آیین‌های سوگواری صفوی - با توجه به اینکه دوره صفویه مقارن اوج‌گیری اقتدار و یکپارچگی سیاسی است و حمایت نهاد قدرت از آیین‌های شیعی امری است بدیهی - علاوه بر اینکه همه علائم و نمادهای کهن سوگواری در ابعاد گسترده و وسیع‌تری به کار می‌روند، برخی ویژگی‌ها نیز به مراسم افزوده یا تقویت شده‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

#### ۳-۱. خشونت

یکی از ویژگی‌هایی که در سوگواری‌های این دوره گزارش شده است، گرایش به اغتشاش و خشونت است؛ به عبارت دیگر به نظر می‌رسد فضای خاصی که آیین سوگواری بر مناسبات و روابط اجتماعی این دوره حاکم می‌سازد، منجر به نوعی بی‌نظمی و بی‌قاعدگی جمعی می‌شود؛ در پی این باور شیعیان که «هرکس در روز عاشورا کشته شود، شهید محسوب می‌گردد» آن‌ها برای دستیابی به شهادت، دست به خشونت می‌زنند که این خشونت اندکی آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسد. خشونت در تاریخ استبدادزده ایران پدیده‌ای ریشه‌دار است. نگاهی به سابقه خشونت‌های سیاسی و اجتماعی دولت صفویه نشان می‌دهد که این رفتار می‌تواند بازتولید همان خشونت‌ها باشد که پیش‌ازین، حکومت صفوی برای تثبیت ایدئولوژی شیعه به کار بسته بود. از آن جمله می‌توان به قزلباشان تبرایی و شیعه کردن قهرآمیز گروه‌های سنی اشاره کرد و طبیعی به نظر می‌رسد که خشونت به‌عنوان رفتار تأیید شده توسط حاکمیت، در مراسمی شیعی که مستقیماً مورد حمایت نظام حاکم است، در بین مردم بروز کند. خشونت به‌عنوان اولین برآیند قدرت‌های نامشروع و متکی به زور، به هر بهانه و مناسبتی در سطح جامعه فرافکنی می‌شود. به‌دلیل نبود قوانین اجتماعی، همواره خشونت، تنها روش مجازات و تنبیه و اعمال قدرت در تاریخ حکومت‌های ایران بوده است. خودسری و عدم محدودیت صاحبان قدرت در اعمال زور و خشونت بی‌قانون، خشونت و هرج‌ومرج را به اصل پذیرفته‌شده‌ای در منش تاریخی جامعه بدل



کرده است. از نمونه‌های این عملکرد می‌توان به لجام‌گسیختگی و خشم و خشونت و عقل‌گریزی در دیگر آیین‌های مذهبی دوره صفویه نیز اشاره کرد. جملی کارری به مراسم عمرکشان در ایام سوگواری محرم نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد:

روز چهارشنبه از طرفداران علی، کار عجیبی سر زد. در تمام محلات شهر آدمکی پر از گاه ساختند و مدتی آن را در معرض تماشا گذاشتند و سپس پشت خری نشانده و در محله گرداندند. مردم این آدمک را عمر بن مرجانه می‌نامیدند. بسیار خشمگین بودند تا حدی که عمر بن مرجانه را با خر یک‌جا آتش زدند (سفرنامه کارری، به نقل از آژند، ۱۳۸۸: ۶۸).

دامن زدن به عنصر تعصبات و خشونت‌های مذهبی، در مقیاسی کلان، منجر به صف‌آرایی و هم‌پیمانی ایرانیان در مقابل عثمانیان و ازبکان سنی مذهب بود؛ به عبارت دیگر، شاهان صفوی، یکپارچگی و ملیت ایرانیان را در اتحادی خشونت‌آمیز علیه سنیان معنی کردند و تمرین این خصومت، جدال‌های فرقه‌ای و محله‌ای بود که محل تجلی خود را در آیین‌های سوگواری سالیانه به‌خوبی بازمی‌یافت.

### ۲-۳. حضور نمایشی شاه در دسته‌های سوگواری

مقارن با حکومت شاه عباس اول، نهاد قدرت، به‌وضوح به‌عنوان پشتیبان بی‌واسطه آیین‌های سوگواری مطرح می‌شود. حضور شاه در میان دسته‌های عزادار، یکی از روش‌های نهادینه‌سازی حکومت مذهبی صفویه است. در کارنامه شاه عباس این قبیل رفتارهای معنی‌دار و نمایشی که همه با مقاصد سیاسی همراه بوده‌اند، بسیار است؛ پیاده پیمودن مسیر اصفهان تا مشهد توسط او نیز از آن جمله است. هرچند شاه در این سفر کسی را وادار به التزام با خود نکرده بود، اما کسانی را که با وی هم‌قدم شده بودند، مورد تفقد خاص قرار داد.

حضور فیزیکی و مشارکت شاه در عزاداری نیز مشخصاً با هدف تقویت پایه‌های قدرت سیاسی - مذهبی و از طرفی اتصال بیش از پیش آیین مذهبی شیعی به حوزه قدرت صورت می‌گیرد. پوشاندن لباس قداست به پیکره حکومت، به‌نوعی بازنمایی نشانه‌های مشروعیت شاه نیز هست؛ کما اینکه شاه عباس برای منسوب کردن خویش به خاندان پیغمبر تلاش‌های زیادی انجام داده بود. با توجه به اینکه شاه صفوی، داعیه‌دار حقانیتی است که تشیع برای خاندان پیغمبر قائل است، حضور شاه در صف عزاداران مجرای برای اشاعه یگانگی ساحت قدرت و قداست حاکمیت است. روند هدایت و چیدمان دسته‌های عزاداری در دوره شاه عباس دوم به‌گونه‌ای است که شاه به‌طور ناگهانی - احتمالاً به‌صورت طراحی شده - در مقابل صف عزاداران قرار می‌گیرد؛ اما این بار شاه، ظاهراً نمایشی از الوهیت و مطلقیت مقام مذهبی خود ترتیب داده، تلویحاً با استفاده از شور آیینی عزاداران، تصویری متوالی از مصائب خاندان پیغمبر و در پی آن حضور زنده و

روحانی خود ارائه می‌دهد. انتساب به عرفان و تصوف در خاندان صفوی و اشاعه روابط مرید و مرادی در بین هواداران قزلباش این سلسله، از پیشینه طولانی برخوردار بود. از جمله اینکه یکی از دلایل حمایت همه‌جانبه این طوایف ترک از شاه اسماعیل، سرسلسله صفوی و به سلطنت رساندن او این بود که او را موجودی الهی می‌پنداشتند.

قدرت شاهان صفوی بر سه پایه مشخص استوار بود: اول نظریه حق الهی پادشاهان ایرانی و این حق بر این اساس مبتنی بود که این پادشاهان از «فر ایزدی» برخوردارند. این نظریه باستانی که متعلق به دوران قبل از اسلام بود، با تمام شکوه قبلی‌اش به کار گرفته شد و در هیات جدید آن که فرمانروا «سایه خدا بر روی زمین» (ظل الله فی الارض) است، مجدداً ظاهر شد؛ دوم ادعای شاهان صفوی بود مبنی بر اینکه آنان نماینده مهدی (ع) بر روی زمین هستند. سوم مقام پادشاهان صفوی به عنوان مرشد کامل پیروان طریقت صوفیه (سیوری، ۱۳۷۲: ۲).

تاریخ صوفیه پر است از نمونه اعمالی که شاهان این سلسله برای مقدس‌نمایی و اثبات ادعای ارتباط با ائمه و عوالم بالا انجام می‌دادند. از ابتدای حکومت شاه اسماعیل و موضعی که برای یکپارچه‌سازی ایدئولوژیک اتخاذ شد، این روحیه عوام‌فریبانه و مقدس مآب وجود داشت.

آنچه مسلم است این است که اسماعیل شخصاً یا به کمک سه تن از نزدیک‌ترین مریدانش... سرداران و بزرگان قزلباش را در این مورد مجاب کرده بود و توافق نظر حاصل شده بود که در صورت لزوم، برای عملی ساختن نقشه خود به خشونت متوسل گردند و با استفاده از قدرت و سلطه نظامی، مذهب تشیع را به عنوان مذهب رسمی اعلام کنند و آن را بر مردم تحمیل نمایند. نقشه‌ای که برای خواندن خطبه به نام ائمه شیعه طرح گردید، بدین ترتیب بود که شخص شاه اسماعیل یا با مشاوره بزرگان و امیران قزلباش مدعی شد که چون همان شب به خواب رفته است، حضرت علی (ع) به خواب او آمده و راه حل مشکل را برای او ارائه نموده است. شاه اسماعیل به بزرگان و سران قزلباش توضیح داد که حضرت علی (ع) به او گفته است که: ای فرزند، دغدغه را به خاطر مرسا و در روز جمعه بفرمای که قزلباش تمام یراق بپوشند و در میان هر دوکس از مردم تبریز یک نفر قزلباش قرار گیرند و در آن وقت خطبه بخوان و هرکس که خواسته باشد که حرکت کند، قزلباش آن را به قتل رسانند و به این تدبیر خطبه بکن (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۳۸۷).

جانشینان شاه اسماعیل نیز این رویه را با جدیت دنبال کردند و ادعای خواب و الهامات غیبی و کسب تکلیف از پیغمبر و ائمه، از راهبردهای رایج در این سلسله بوده است. ظاهراً آیینی که بر مبنای باورهای مذهبی به بار نشسته، عرصه مناسبی برای نمایش عینی و اثرگذار قدسیت و روحانیت شاه است. واکنشی که حضور شاه در خیل عزاداران ایجاد می‌کند، وجد و نشئه بی‌اختیار، پرتاب تابوت‌ها به بالا [!] تابلویی است که با هدف

تثبیت مقام الهی شاه و پیوند او با خاندان ائمه طراحی شده است. ملقب ساختن امام سوم شیعیان با عنوان «شاه حسین» که ظاهراً ابداع دوره صفویه است و به‌طور آشکار با آرمان‌های ایدئولوژی شیعه و ساده‌زیستی و مقام معنوی ائمه در تناقض است، نیز در راستای تلفیق مقام سیاسی شاه و روحانیت امام شیعیان صورت می‌گیرد. البته چنان‌که اشاره شد، قائل شدن مقام و مرتبه آسمانی و قدسی برای شاه، در فرهنگ این مرز و بوم زمینه و پیشینه‌ای دارد و سلاطین صفوی، مبدع این امر نیستند. «حتی رابطه عاطفی در تشیع نسبت به امامت و ولایت را می‌توان به مهر و محبت ایرانیان باستان نسبت به سردار، حاکم یا شاه تحت قالب فره ایزدی تشبیه ساخت» (استوار، ۱۳۹۲: ۹۲). جنبه الوهیت و قدسیت نهاد قدرت در ایران، بسیار قدیمی است؛ از آنجاکه در تاریخ ایران و در نظام ایلاتی و عشیره‌ای که مبتنی بر زور و عصبیت قومی است، دارنده قدرت، دارنده مشروعیت نیز محسوب می‌شده و نظام استبدادی، مانع از شکل‌گیری جریان‌های انتقادی بوده است، همواره شاه در تفکر عوام و حتی نخبگان جامعه، مرتبه قداست و ظل آسمانی داشته است. مصادیق این اندیشه را می‌توان در «شاه‌دوستی» عوام، ضرب‌المثل‌ها و حتی آثار شعری نامدار ایرانی بازشناخت. نمایش شوکت قدسی و الهی همواره تلاشی برای القا و بروز اجتماعی مشروعیت شاه بوده است.

### ۳-۳. نمایش طبقات اجتماعی در دسته‌های سوگواری

از ویژگی‌هایی که در آیین‌های سوگواری شاه عباس، بر آن تأکید شده است، تفکیک سازماندهی شده طبقات اجتماعی در دسته‌روی‌هاست. هرچند در ایران به دلیل عدم توسعه نظام تقسیم کار اجتماعی، نمی‌توان از طبقات اجتماعی در مفهوم واقعی آن سخن گفت، اما تاریخ ایران، صحنه حیات دو طبقه متمایز اجتماعی بوده است: طبقه مرفه صاحب ثروت و طبقه محروم از رفاه و ثروت. از خصوصیات طبقه ممتاز و مرفه جامعه ایران، وابستگی تام آنان به مناسبات قدرت بوده است. حضور متمایز طبقات وابسته قدرت که حضورشان برای تقویت و نمایش اقتدار سازمان حکومتی است، ویژگی نوظهوری در آیین‌های سوگواری است؛ تثبیت قدرت طبقاتی و بازتولید اندیشه اقتدار و برتری یک طبقه نسبت به دیگری و نمایش روابط طبقات فرادست و فرودست پدیده‌ای است که دو واقعیت اجتماعی از آن برداشت می‌شود:

۱. تمایز طبقاتی و نمایش عمومی آن در قالب سواره بودن «بزرگان» و پیاده در پی آمدن «مردم عادی»، نشان از کمرنگ شدن ماهیت و کارکرد مردمی این آیین دارد؛ چراکه یکپارچگی، یگانگی و تجربه وحدت، از مهم‌ترین ویژگی‌های آیینی است که قرن‌ها توسط توده‌های مردم به بقای خود ادامه داده است. این تفکیک از پیش اندیشیده، طبقات اجتماعی و نمایش روابط آن‌ها در دسته عزاداری، نه تنها از رنگ و بوی مردمی و ملی به دور است، بلکه مرجع آن، صاحبان قدرت به عنوان اداره‌کنندگان و برگزارکنندگان آیین سوگواری در

عصر شاه عباس است.

۲. مفهوم تمایز طبقات اجتماعی و نمایش عمومی آن در آیین سوگواری، احتمالاً یکی از پیامدهای شکل‌گیری جامعه نوین شهری و تحولات شهرسازی دوره شاه عباس نیز هست؛ چراکه در این دوران برای اولین بار با مفهوم جدید طبقات شهری روبه‌رو می‌شویم.

طراحی یک محور جدید و وسیع شهری (چهارباغ) - که تا این زمان در شهرسازی و شار ایرانی سابقه نداشته است - و ایجاد میدانی وسیع و گسترده با تعریف روشن انتظام فضایی صریح به عنوان مرکز جدید شهر - و نه شهری جدید - سبب می‌شوند تا برای اولین بار در سازماندهی شار ایرانی، مفهوم منطقه‌بندی شهری به کار گرفته شود. شهر کهن مکان استقرار محلات مسلمان‌نشین و یهودی‌نشین شده و در شمال شرقی تقاطع زاینده‌رود و چهارباغ قرار می‌گیرد، محلات دولتمردان و دولتمندان در شمال غربی تقاطع در میانه باغات گسترده می‌شوند، محله تازه‌بنیاد آرامنه در جنوب غربی تقاطع سازمان داده می‌شود و محله زرتشتیان در جنوب شرقی تقاطع واقع می‌گردد. این پدیده تازه - منطقه‌بندی شهری - برای نخستین بار در شار ایرانی مفهوم تمایزات اجتماعی در کل شهر را تبلور کالبدی می‌بخشد (حبیبی، ۱۳۸۳: ۹۶).

بنابراین، می‌توان ظهور طبقات اجتماعی و تظاهرات مربوط به آن را از تبعات «شهری شدن» آیین‌های سوگواری تلقی کرد.

### ۳-۴. نظم و قاعده‌مندی در برگزاری مراسم

یکی از ویژگی‌هایی که در عزاداری‌ها مسیر تحول را پیموده است، نظم و قاعده‌مندی آگاهانه‌ای است که در برگزاری مراسم، گزارش شده است. نظمی که دسته‌روی عزاداران را به اولین خصوصیات نمایشی نزدیک می‌کند. از آن جمله است ترتیب پیش‌اندیشیده دسته‌های مختلف گروه عزادار که هریک در جایگاه خود و در زمان مقرر، عبور می‌کنند و جای خود را به گروه‌های دیگر می‌دهند؛ این علائم و نشانه‌ها به‌طور مشخص نشان از نظارت و سرپرستی این آیین دارد و برای اولین بار طراحی و کنترل رسمی آیین عزاداری به عنوان یک نمایش جمعی، توسط حاکمیت صورت می‌گیرد. تاورنیه مستقیماً به حضور این شخص ناظر و سرپرست اشاره می‌کند: «شاه دستور می‌دهد بیگلربیگی رئیس مراسم باشد و ردیف هریک از دسته‌جات را معین کند. تعداد دسته‌ها دوازده‌تا بود و بیگلربیگی به کار پیش بردن دسته‌ها مشغول شد...» (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۸۹).

در خلال انتظام و انسجامی که در این دوره در مراسم عزاداری محرم ایجاد می‌شود، می‌توان به دگرگونی بیش از پیش کارکرد اجتماعی آیین سوگواری پی برد؛ از طریق این اعمال نظارت است که دولت صفوی، برگزاری این آیین را و حتی چندوچون و روشمندی آن را در انحصار می‌گیرد. از آنجاکه برگزارکنندگان این دسته‌روی‌ها، نه مردمان عادی، بلکه دولتمردان‌اند، این آیین تبدیل به جولانگاهی سیاسی می‌شود که طبقات حاکم

در راستای خط مشی‌های حکومت در آن دخل و تصرف می‌کنند. نهاد قدرت با در اختیار داشتن همه عرصه‌های فیزیکی جامعه، آیین عزاداری را زیر پوشش ایدئولوژی عوام، به تظاهراتی از روابط سلطه در جامعه بدل می‌کند. این نمایش عمومی قدرت، «مردم» را که در سوگواری‌های کهن این سرزمین، جزئی از بافت و سازمان مشارکتی آیین بوده‌اند، به تماشاکننده این کارناوال، تقلیل می‌دهد. به نظر می‌رسد یکی از مراحل اساسی تحولی که آیین‌های دست‌روزی طی می‌کنند، همین دودستگی و دوگانگی‌ای است که در شکل اجرای این آیین ایجاد می‌شود و عده‌ای را به عنوان تماشاگر، با هدف جهت‌بخشی فکری و القای قدرت همه‌جانبه سلطان صفوی، به حضور می‌خواند.

### ۳-۵. تجمل و آراستگی

تأکید بر زرق و برق مراسم و اشیاء مورد استفاده در آن، که در دسته‌های عزاداری دوره شاه عباس اول آغاز شده بود، در آیین‌های سوگواری دوره شاه عباس دوم به اوج خود می‌رسد. اگر تا پیش از حاکمیت شیعه صفوی، در آیین‌های سوگ، استفاده از اشیاء، صرفاً جنبه نمادین، تجربیدی و بازنمایانه از وقایع شهادت داشت و به وسایل و ادواتی که تداعی کننده لوازم و جنگ‌افزار شهید بود، بسنده می‌شد، در دوره صفویه، این کارکرد نمادین در چرخشی تاریخی، جای خود را به نمادهای مکننت و ثروت می‌دهد. استفاده از اشیاء نفیس و گران‌بها، زیورآلات، پارچه‌ها و سلاح‌های قیمتی در عزاداری محرم، زاینده تفکر تبلیغاتی حکومت صفوی است. چنان‌که پیش‌ازین گفته شد، نهاد قدرت در این دوره، آیین عزاداری را به ابزاری سیاسی تبدیل می‌کند؛ چراکه محتوای آیین‌های محرم، تأییدی است بر حاکمیت شیعه؛ صورت اجتماعی این آیین نیز فرصتی است که امکان تبلیغ و اشاعه این اندیشه را برای حکومت صفوی فراهم می‌کند. در توضیح تأییدی که در این دوران بر شکوه و جلال و ثروت‌مداری آیین‌های عزاداری می‌شود، اشاره به چند نکته ضروری است:

الف. قدرت همواره با مفهوم مالکیت و تسلط بر منابع مالی همراه است و از جمله مجال‌های عینی و علنی شدن قدرت، نمایش مکننت و تجملاتی است که محصول طبیعی قدرت است.

ب. «مالکیت» نزد شاه صفوی، مفهومی کلیدی است. اقتصاد متمرکز و پویایی که بعد از قرن‌ها استیلای حکومت‌های ترک و مغول، در دوره صفویه به دست می‌آید و به‌ویژه اقدامات تجاری و بازرگانی هوشمندانه شاه عباس اول که سبب تمرکز و رونق اقتصادی نسبتاً پایداری در ایران می‌شود، روی دیگری از قدرت و مشروعیت شاه صفوی است:

دولت و در راس آن سلطان صفوی، همه عوامل و عناصر تولید را صاحب می‌گردد و مالکیت عالیه خود را بر همه ابزار تولید می‌گستراند و از آن راه مالکیت جمعی را با مالکیت دولتی درهم می‌آمیزد، مالکیت‌های خاصه (مربوط به سلطان)، خاصه (مربوط

به دولت) و وقف همه و همه در اختیار دولت و عمال دیوانی آن قرار می‌گیرند. در این استحاله مفهومی است که همه مردمان از وزیر گرفته تا ساده‌ترین آنها در مقابل «مرشد کامل» به عنوان «مالک مطلق» نقش رعیت می‌یابند (حبیبی، ۱۳۸۳: ۹۰).

ج. یکی از مهمترین مسائلی که سلسله صفویه از بدو شکل‌گیری با آن روبه‌رو بود، وجود دولت قدرتمند سنی‌مذهب عثمانی، در همسایگی ایران بود. حکومت عثمانی با داعیه حکومت بر مسلمانان جهان، دشمن دیرین ایران محسوب می‌شد و همواره محور سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی حکومت صفوی بود؛ از سوی دیگر، دوره صفویه، مقارن مقطع مهمی از تاریخ است که در آن روابط بین‌المللی به واسطه رنسانس اروپا و گسترش امکانات سفر، مفهوم تازه‌ای می‌یابد. سفرنامه‌های سیاحان و سفرا و تجار در ایران، گواه این گستردگی ناگهانی ارتباط فرهنگی و سیاسی و انعکاس این مراودات در عرصه جهانی است؛ دعوت از مسافران و بازرگانان خارجی برای شرکت در آیین‌های سوگواری، احتمالاً نظری به این سیاست داشته که با تماشای شوکت و جبروت دولت صفوی، آوازه و چهره ایران به‌عنوان نیرویی مقتدر و باثبات در جهان و به‌ویژه نزد عثمانیان مطرح شود.

### ۳-۶. توسعه شبیه‌سازی

در گزارش‌های مربوط به این دوره، توسعه و تقویت شبیه‌سازی، قابل توجه است. اشارات مکرر به پیکره‌های خون‌آلود و تیرخورده، حضور دو کودک به نشانه طفلان مسلم، اسب‌های خاک‌آلود و گل‌مال‌شده، نشانگر فضاسازی و سعی در تداعی جزئیات واقعه عاشورا است. اشکال ابتدایی شبیه‌سازی، از جمله حمل‌عماری و تابوت و پیکر خفته درون آن که از کهن‌ترین طرح‌واره‌های سوگواری است به‌عنوان یکی از اجزاء ریختاری و زیبایی‌شناختی، در آیین‌های سوگواری همه دوره‌ها وجود داشته است؛ اما اینکه چگونه و تحت تأثیر چه عواملی، شبیه‌سازی با پیشینه مناقشه‌آمیزش در ایران، مسیر تکاملی تصاعدی را آغاز می‌کند، جای تأمل دارد. ایرانیان به‌دلیل میراث‌داری فرهنگ اساطیری هند و اروپایی، از دوران کهن تاریخ، شبیه‌سازی و تجسم‌بخشی را دون شأن مقدسان، خدایان و الهگان دانسته‌اند و از آنجاکه شکل‌گیری پدیده‌های فرهنگی در بدو تاریخ با کنشگری جوامع در ارتباط با جهان خدایان و اساطیر ارتباط مستقیم دارد، منع و حرمت شبیه‌سازی به جامعه و افراد عادی نیز تسری می‌یابد. این انگاره با غلبه اسلام، در فرهنگ ایران تقویت می‌شود: «به ظاهر حرف این بود که خلق یا ایجاد هر شخص دیگر رقابتی است با دستگاه ایجاد و خلقت، یا ناشی از اعتقاد به این که عالم وجود ناقص است» (بیضایی، ۱۳۸۷: ۵۱).

شبیه و تشبه از زمینه‌های اجتماعی توسعه شکل‌نمادی و نمایشی آیین‌های سوگواری است. ارتباط «شبیه» به‌عنوان یک مقوله فقهی با آیین‌های سوگواری امام سوم شیعیان به تفاسیر اعتزالی ابوالقاسم محمود بن عمر زرخشری - متکلم قرن پنجم هجری - باز می‌گردد.

مسیری که تعزیه می‌پیمود در واقع اصل تشبه بود. در زمینه فرهنگ سده‌های گذشته، این اصل علاوه بر نمایش، در سرتاسر حوزه اجتماعی نیز اعمال می‌شد. تشبه در زمینه همانندسازی (که استفاده از این اصطلاح از حدیثی که می‌گفت «هرکس که خود را شبیه دسته‌ای بسازد در زمره همان دسته است»، ناشی می‌شد) مفهوم طلب و آرزو را افاده می‌کرد و بیانگر لزوم ساختن شبیه افراد نیک از یک سو و حفظ فاصله از بدی و رشک و حسد دشمنان دین از سوی دیگر بود. در سده ششم هجری، مفهوم تشبه اهمیت یافت و برای مراسم سوگواری محرم به کار گرفته شد (بکناش، ۱۳۸۴: ۱۳۶). به این ترتیب، رشد زمینه‌های شرعی و عرفی شبیه‌سازی، قرن‌ها پیش از صفویان، آغاز شده بود. تشبه به اهل بیت، نه تنها از مصادیق شرک شمرده نشد، بلکه به دلیل ایجاد قرابت با معصومین، راه ثواب تلقی شد. اگرچه در تاریخ آیین‌های سوگواری، بعضاً فتاوی و تفاسیری در رد شبیه‌سازی از سوی فقها صادر شده است، اما تعداد این گونه نظرات، در مقابل اقبال عمومی جامعه، اندک بوده است.

تعزیه و شبیه‌خوانی در ایران، در مقوله نمایش و تصویرسازی جای نگرفتند، اصولاً فقیهان تعزیه را نوعی نمایش نمی‌دانستند. از این‌رو آن را در مقوله تصویرسازی قرار نمی‌دادند تا با استناد به آیاتی که در نفی بت‌پرستی است، شبیه‌خوانی را نیز حرام اعلام کنند (خاکی و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۹).

اما چنانکه معلوم است، مجاز شمرده شدن تشبه توسط علمای شیعه، در قرون ۵ تا ۹ هجری، محصولی در عرصه شبیه‌سازی نداشته و صرفاً در قالب اشک ریختن بر امام سوم شیعیان، به نشانه همراهی با وی و تشبه به خصایل و آرمان‌های او متجلی شده بود؛ بنابراین ایجاد زمینه‌های نظری و تأیید عرف اجتماعی، به‌تنهایی عامل شکل‌گیری شبیه‌سازی‌های آیین‌های محرم نبوده است. این زمینه‌های فکری اگرچه در طول قرون، اجازه و تأیید نهادهای مذهبی تشیع را جلب می‌کنند، اما بدون حمایت و پشتیبانی قوایی که مشروعیت تشبه را در جامعه تنفیذ نماید، به شبیه‌سازی در مفهوم واقعی منجر نمی‌شوند. این حمایت تا زمان صفویه و ضمانت اجرایی یافتن اندیشه‌های شیعی، میسر نمی‌شود. جریان شبیه‌سازی در آیین‌های سوگواری، اگرچه مرهون ایدئولوژی شیعه است، اما آنچه زمینه اجرایی و عملی شدن این فرایند را فراهم می‌کند، نهاد حاکمیتی است که با اتکا به قدرت همه‌جانبه، خواست‌های مذهبی موافق را در صور گوناگون و نمادین، در جامعه جاری سازد.

### ۷-۳. ورود نمادهای نظامی‌گری

یکی از ویژگی‌هایی که سوگواری‌های دوره صفوی را از دوره‌های پیشین متمایز می‌کند، ورود منش نظامی‌گری و نمایش غلوا میز اسلحه و ابزار نظامی در دسته‌های عزاداری است. از دوران پیش از تاریخ، مرکب و جنگ‌افزار شهید یا شخص متوفی در مراسم سوگواری او حمل و گاه به خاک سپرده می‌شده، اما تنوع و نمایش مکرر انواع سلاح سرد و گرم

در دسته‌گردانی‌های دوره صفوی امری نوظهور است که با کارکردهای پیشین و فلسفه و ماهیت نظری شیعه نیز مناسبتی ندارد.

بنا به دلایل زیر صفویه حکومتی است که بر پایه‌های نظامی‌گری بنا شده است: الف. شرایطی که خاندان صفوی برای نیل به قدرت با آن مواجه بودند، شرایط ستیز و مبارزات درازمدت بود. سازماندهی جنگ‌های طولانی و گسترده با اتکا بر قبایل ترک، که منجر به قدرت یافتن صفویان شد، مستلزم خلق و خو و درایت نظامی بود که این خاندان طی چند قرن تلاش برای قدرت، به آن دست یافته بودند.

به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از پیشرفت‌های نظامی صفویه، حداقل تا پایان دوره شاه عباس اول مرهون نبوغ فرماندهی نظامی شاهان بوده باشد... اعمال مکرر نظامی شاه اسماعیل، شاه تهماسب و از همه مهم‌تر شاه عباس، مشحون از مدیریت بحران‌های نظامی است (متولی، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

ب. دوره صفویه، مقارن زمانی است که اروپا در پی رنسانس، اولین تکانه‌های مدرنیته را تجربه می‌کند؛ ایرانیان نیز در این دوران با گسترش روابط بین‌المللی، با پدیده سلاح‌های گرم آشنا و به آن مسلح می‌شوند.

در دوره‌های بعد از شاه اسماعیل، ورود گسترده انواع اسلحه گرم و تجهیزات نظامی به ایران آغاز می‌شود به طوری که کشورهای اروپایی، برخی از امتیازات تجاری و سیاسی دربار صفوی را در ازای دادن اسلحه کسب می‌کردند. از آن جمله است اقدام مسکو در تجهیز شاه تهماسب علیه عثمانیان:

[ایوان مخوف] به بررسی امکان اقدام نظامی با شاه علیه عثمانیان پرداخت. او فرستاده‌ای به نام دولت کارپویچ نزد تهماسب فرستاد؛ فرستاده روس ۳۰ توپ در اندازه‌های مختلف و ۴۰۰۰ تفنگ به عنوان هدیه برای شاه آورده بود؛ همراه وی ۵۰۰ تیرانداز ماهر بودند که می‌توانستند به افراد او تعلیم و تمرین تیراندازی بدهند. تزار قول داد که اگر شاه آن توپ‌ها و تفنگداران را پسندید، او (تزار) هر نوع سلاح گرمی را که توانست از آلمانی‌ها بگیرد، به شاه بفروشد (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۰۸).

این تغییر رویه نظامی و همگام شدن دولت صفوی با ضروریات نظامی عصر خود، طبعاً نوعی تحول جامعه‌شناختی را درون نظام سیاسی و در سطح اجتماع ایجاد می‌کند. مجهز شدن حکومت به سلاح گرم و مهارت‌های نظامی‌ای که لازمه این تجهیزات است، از مسیرهای مختلفی به مناسبات اجتماعی، از جمله دسته‌های عزاداری، که به خودی خود متضمن مفاهیم دفاع و مبارزه است، وارد می‌شود.

ج. دولت صفوی، پس از چندین قرن، اولین دولت یکپارچه ایران را بنا کرده بود. حفظ کشور و دفاع از آن، در شرایطی که کشور عثمانی و ازبکستان همچنان اولین تهدیدات خارجی برای ایران محسوب می‌شدند و از طرفی نگاه استعماری اروپا به کشورهای شرقی - عمدتاً ایران - جلب شده بود، ضرورت آمادگی دفاعی و نظامی حکومت را ایجاب می‌کرد.



تأسیس اولین کارخانه اسلحه‌سازی در ایران و حتی رونق و توسعه ساخت سلاح‌های سرد دست‌ساز صنعت‌گران، از مصداق‌های این ضرورت است. از آنجاکه تحولات سیاسی و اجتماعی، در سازمان‌ها و پدیدارهای جامعه نفوذ می‌کنند، آیین سوگواری به عنوان یکی از نقاط اتکاء ایدئولوژی صفویه، مجرای انعکاس این تحولات می‌گردد. «سلاح» عینی‌ترین ابزار فیزیکی قدرت است و نمایش «مسلح بودن»، قدرت و خشونت بالقوه حکومت را با هدف هشدار داخلی و خارجی، علنی می‌سازد. از طرفی، انعکاس این تحولات در آیین‌های سوگواری نشان می‌دهد که نظام‌های نمادین فرهنگی، نسبت به توسعه ابزار مادی جامعه تا چه اندازه انعطاف نشان می‌دهند؛ چنانکه نمونه‌های تأثیر ابزارسازی انسان در تحولات اسطوره جوامع پیش از تاریخ نیز فراوان است. در دوره صفویه، اهمیت یافتن سلاح و نظامی‌گری در مناسبات کشور، سبب نوعی تحول در عرصه نمادین آیین‌ها می‌شود.

#### ۴. نتیجه‌گیری

تحولات آیین‌های سوگواری در دوره صفویه، تابع مجموعه‌ای از وقایع تاریخی و شکل‌گیری نظام‌های نوین اجتماعی در ایران بوده است. در تاریخ پس از اسلام ایران، هرگز تداوم و ثبات سیاسی و اقتصادی نظیر آنچه در عصر پادشاهان صفوی رخ داد، وجود نداشت. بی‌شک، علاوه بر توان نظامی و پشتوانه قبیله‌ای صفویان، عامل قطعی در این یکپارچگی و ثبات نسبی، برقراری مذهب رسمی یکسان در ایران بود که پس از قرن‌ها، هم نوعی احساس وحدت ملی را پدید آورد و هم نیروهای داخلی را علیه دشمنان سنی‌مذهب گسیل کرد. شرایط خاصی که پس از قرن‌ها حکومت ترک و مغول و ویرانی‌های بی‌حساب، در ایران حاکم شد و ثبات و امنیت و رونق نسبی که در عرصه صنعت و اقتصاد فراهم آورد، همه در شکل‌گیری نوعی سازمان فرهنگی تحت پوشش ایدئولوژی شیعه دخیل بودند. جریان رسمیت تشیع، بدون دست‌مایه‌های ملی و مردمی میسر نبود و یکی از مناسب‌ترین دست‌مایه‌ها، آیین‌های ریشه‌دار مردمی بود که هم برآمده از اندیشه تشیع بود و هم برخوردار از اقبال و ارادت عمومی. آیین‌های سوگواری در عصر صفویه برای اولین بار در تاریخ به عنوان «رسانه» ای کارآمد در خدمت اهداف حکومت قرار می‌گیرد. آیین‌های سوگواری دوره صفویه رسانه‌ای است که برترین قابلیت‌ها را در «نهادینه‌سازی تشیع»، «اقتدار دولتی» و «مشروعیت حاکمیت» داراست و از همین مبدا تاریخی است که تحولات آیین‌های سوگواری ایران با ضرباهنگ سریع و بی‌سابقه‌ای آغاز می‌شود. تحولاتی که هم جنبه‌های اجرایی، بصری و نمادین دسته‌های عزاداری را شامل می‌شود و هم کارکردهای اجتماعی آن‌ها را.

### کتابنامه

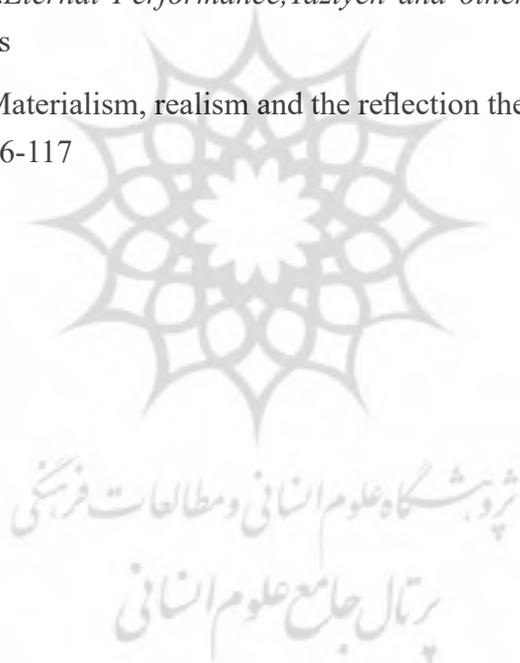
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۸). نمایش در دوره صفوی. تهران: آثار هنری متن.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۳). «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران». نامه علوم اجتماعی. ش ۴. دوره اول: ۷-۴۹.
- استوار، مجید. (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی و نبرد نمادها. تهران: نگاه معاصر.
- امین‌زاده، بهرام. (۱۳۸۶). «بازشناسی اثر آیین‌های جمعی بر پیکره‌بندی شهر سنتی». هنرهای زیبا. ش ۳۲. صص ۵-۱۳.
- بکتاش، مایل. (۱۳۸۴). «تعزیه و فلسفه آن». ترجمه داود حاتمی. در چلکوفسکی. تعزیه: آیین و نمایش در ایران. تهران: سمت.
- بیضایی، بهرام. (۱۳۸۷). نمایش در ایران. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- پرغو، محمد علی و غلام‌زاده، صدیقه. (۱۳۹۴). «عزاداری محرم در عصر صفوی؛ یک بررسی آسیب‌شناختی». تاریخ اسلام. ش ۶۳. صص ۳۵-۶۹.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۸۹). سفرنامه تاورنیه. حمید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.
- چلکوفسکی، پیتر جی. (۱۳۸۴). تعزیه: آیین و نمایش در ایران. داود حاتمی. تهران: سمت.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۳). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.
- حسامیان، فرخ و دیگران. (۱۳۶۳). شهرنشینی در ایران. تهران: آگاه.
- خاکی، محمدرضا؛ مهندس پور، فرهاد؛ قلی‌پور، علی. (۱۳۸۸). «مسئله تشبه و علل اطلاق واژه شبیه‌خوانی به تعزیه». هنرهای زیبا. ش ۳۹. صص ۴۵-۵۴.
- دلاواله، پیتر. (۱۳۷۰). سفرنامه پیتر دلاواله. شجاع‌الدین شفا. تهران: علمی - فرهنگی.
- رامین، علی. (۱۳۸۹). مبانی جامعه‌شناسی هنر. تهران: نی.
- راورداد، اعظم. (۱۳۸۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). «جایگاه اقتصاد در جامعه‌شناسی هنر». بیناب. ش ۸. صص: ۵۴-۶۷.
- زندیه، حسن و دیگران. (۱۳۹۲). «پیامدهای برگزاری آیین‌های مذهبی شیعه در دوره صفویه». پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام. ش ۱۲. صص ۳۷-۵۶.
- سیوری، راجر. (۱۳۷۲). ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- شاردن، ژان. (۱۳۵۵). سیاحتنامه شاردن. محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
- صفاکیش، حمیدرضا. (۱۳۹۰). صفویان در گذرگاه تاریخ. تهران: سخن.

- فلسفی، نصرالله. (۱۳۶۹). *زندگانی شاه‌عباس اول*. تهران: علمی.
- کشاورز، زهراسادات و چلونگر، محمدعلی. (۱۳۹۷). «تفسیر و تحلیل نقش آیین عزاداری عاشورا در فرایند تمدنی دولت شیعی صفویه». *شیعه‌شناسی*. ش ۶۳. صص: ۱۶۳-۱۹۶.
- متولی، عبدالله. (۱۳۹۲). «چشم‌اندازی بر الگوهای مدیریت نظامی در جنگ‌های دوره صفویه». *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*. ش ۱۲. صص: ۱۵۳-۱۷۸.
- ولف، جانت. (۱۳۶۷). *تولید اجتماعی هنرها*. ترجمه نیره توکلی. تهران: مرکز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *زیبایی‌شناسی و جامعه‌شناسی هنر*. ترجمه بابک محقق. تهران: فرهنگستان هنر.

Bourdieu, P. 1991. *Language and Symbolic Power*. Translated By Gino Raymond and Mattheo Adamson. London: Polity Press

Chelcowski, P. 2010. *Eternal Performance, Taziyeh and other Shitte rituals*. Calcutta: Seagull Books

Sayers, S., 1983, 'Materialism, realism and the reflection theory', *Radical Philosophy* 33, Spring. 96-117





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی